



سیری در مقتل نویس و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (3)

نویسنده: رنجبر، محسن

تاریخ: :: تاریخ در آینه پژوهش :: زمستان 1386 - شماره 16
از 83 تا 122

آدرس ثابت: <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/745969>

دانلود شده توسط: سید مرتضی حسینی

تاریخ دانلود: 1393/07/05 11:48:04

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

سیری در مکتب لوپسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر



محسن رنجبر

دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام

چکیده

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پژوهش حاضر در دو مقطع کلی به شناسایی و معرفی مقاتل و نگاهشده‌های مربوط به تاریخ عاشورا از آغاز تا عصر حاضر می‌پردازد. در دو شماره پیشین، به مقطع نخست آن، پرداخته شد و گفته شد که مقطع اول از دو بخش سامان یافته است: بخش اول به شناسایی و معرفی فهرست‌وار مقاتل از آغاز تا قرن هفتم اختصاص یافته و در بخش دوم، به معرفی توصیفی آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم، پرداخته شده است. در این شماره، ادامه این نوشتار که به مقطع دوم پرداخته، ارائه می‌شود. مقطع دوم که درباره مقاتل و نگاهشده‌های قرن هشتم تا چهاردهم است نیز شامل دو بخش است: در بخش نخست، پس از بیان یک مقدمه، به شناسایی و معرفی چند اثر مهم از قرن هشتم تا عصر حاضر پرداخته شده و در بخش دوم به شناسایی و معرفی مهم‌ترین آثار قرن‌های معاصر که نقش بسزایی در تحریف و ارائه گزارش

نادرست و جعلی و در برخی موارد، افسانه‌ای، درباره قیام عاشورا داشته‌اند و در متن از آن‌ها به «منابع تحریف‌گستر» یاد شده، اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، عاشورا، مقتل‌نگاری، قرن هشتم تا چهاردهم و منابع تحریف‌گستر.

مقطع دوم: قرن هشتم تا قرن چهاردهم

پیش از پرداختن به این دوره تاریخی، یادآوری این نکته ضروری است که سه قرن هشتم، نهم و دهم، دوره افول مقتل‌نویسی و عاشورا‌نگاری است و به جز موارد معدودی که گزارش شده، آثار مهمی در این سه قرن، تدوین و نگارش نشده و بر فرض نگارش، افزون بر آن‌که خود آن آثار موجود نیستند، نام و نشانه‌ای از آن‌ها در نگاهته‌های بعدی ثبت نشده است. اوج مقتل‌نویسی در این دوره، مربوط به قرن چهاردهم است. البته روند تاریخی مقتل‌نویسی در قرن دوازدهم و سیزدهم یک‌سان بوده است.

با توجه به آن‌که بخشی از نگاهته‌های تاریخ عاشورا از قرن هشتم تا عصر کنونی برگرفته از همان اخبار و گزارش‌های کهن درباره واقعه عاشورا است، و بخش دیگر، نقل‌ها و گزارش‌هایی است که چندان مأخذ معتبری ندارد، ارائه فهرستی مفصل از این نگاهته‌ها که از قرن دوازدهم به این سو، رو به افزایش داشته، افزون بر آن‌که کم‌فایده است، خارج از حوصله این نگاهته است،^۱ تا چه رسد به این‌که معرفی اجمالی تک‌تک آن‌ها صورت گیرد. از این رو در این بخش از نوشتار، ابتدا به معرفی چند اثر مهم و مشهور در تاریخ عاشورا در این دوره پرداخته و سپس به شناسایی و معرفی چند اثر مهم که نقش مهمی در ارائه چهره تحریف‌گونه از حادثه عاشورا داشته‌اند و از آن‌ها می‌توان به منابع «تحریف‌گستر» تعبیر کرد، پرداخته می‌شود.

۱. برای آگاهی از فهرست این نگاهته‌ها، ر.ک: الذریعة الی تصانیف الشیعة، به‌ویژه ج ۲۲؛ عبدالجبار رفاعی، معجم ما کتب عن الرسول صلی الله علیه و آله و اهل البیت علیهم السلام، ج ۷ و ۸ و محمد اسفندیاری، کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام.

بخش اول: معرفی چند نگاشته مهم مستقل و غیر مستقل در تاریخ عاشورا

چنان که گفته شد، اگرچه پرداختن به بسیاری از نگاشته های این دوره، تلاشی وقت گیر و کم فایده است، اما برخی از نگاشته های این مقطع، از ویژگی ها و امتیازات خاصی برخوردارند که معرفی اجمالی آن ها، مفید و در مواردی، لازم است که در ذیل به آن پرداخته می شود.

۱. البداية و النهایه؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق)

ابن کثیر از مورخان شافعی مذهب بیشترین اخبار خود را درباره قیام امام حسین علیه السلام، از تاریخ طبری به اختصار نقل کرده است.^۱ افزون بر این، او از برخی از مقاتل، همانند مقتل احمد بن حنبل،^۲ ابن ابی الدنیا،^۳ بغوی^۴ و محدثانی، هم چون شعبی،^۵ یعقوب بن سفیان^۶ و... گزارش هایی را آورده است.

او از این رو که شاگرد ابن تیمیه^۷ (م ۷۲۸ ق) (بنیان گذار اندیشه های وهابیت) بوده، از افکار ستیزه جویانه وی با شیعه، متأثر است، از این رو در نگاشته خود، بر شیعه به سبب عزاداری برای امام حسین علیه السلام خرده گرفته و این کار را بدعت و ریا دانسته است!^۸ وی حتی پا را در این باره فراتر گذاشته و در جایی از اثرش، با عنوان «قصة الحسين بن علی و سبب خروجه من مكة فی طلب الامارة...»^۹ برداشت و تفسیر تحریف آمیز و وارونه از هدف و انگیزه قیام امام حسین علیه السلام ارائه کرده و حضرت را همانند انسان های بی ایمان قدرت طلب و ریاست خواه دانسته که نهضت

۱. ابن کثیر، البداية و النهایه، ج ۸، ص ۱۵۶-۲۳۰.

۲. همان، ص ۲۰۶، ۲۱۶ و ۲۱۸-۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۱۸.

۴. همان، ص ۲۱۷.

۵. همان، ص ۱۷۳.

۶. همان، ص ۱۷۴ و ۱۸۳.

۷. یوسف رحیم لو، «ابن کثیر»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۵۱۱.

۸. ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۹. همان، ص ۱۶۰.

خود را به انگیزه طلب حکومت (طلب الاماره) و دست یابی به قدرت، برپا داشته است! او با این سخن، به این قیام الهی و دینی، ماهیتی سیاسی - دنیوی داده است. افزون بر این، او گزارش حوادث سال ۶۱ ق مربوط به قیام امام حسین علیه السلام را با عنوان «و هذه صفة مقتله مأخوذة من كلام أئمة هذا الشأن لا كما يزعمه أهل التشيع من الكذب» آغاز کرده و با این تعبیر، ناهمسویی و تقابل خود را با شیعه نشان داده است. وی در این قسمت، اگرچه همان گزارش های طبری را - چنانکه گذشت طبری نیز بیشتر از ابومخنف و راویان دیگر، نقل کرده - آورده است، اما در پایان آن، از این که طبری اخبار ابومخنف شیعی را آورده (در حالی که احادیث او نزد اهل سنت به رغم شمرده شدن وی از محدثان اهل ضبط، ضعیف شمرده شده است) بر او خرده گرفته و افزوده است که اگر طبری و امثال او چنین اخباری را درباره قیام عاشورا نیاورده بودند، او آن ها را بیان نمی کرد، هر چند برخی از آن چه آورده، در آن مناقشه و نظر است.^۱

هم چنین این کثیر اگرچه عقوبت دنیوی کشندگان امام حسین علیه السلام را پذیرفته و بر این باور است که افراد اندکی، جان سالم از آن بدر بردند،^۲ اما حوادث خارق العاده پس از شهادت امام حسین علیه السلام، از قبیل سرخی آسمان و باریدن خون از آن، کسوف خورشید، جاری شدن خون از دیوارهای کاخ ابن زیاد و... را منکر شده و با آن که اعتراف کرده که طبرانی و حاکم نیشابوری اخباری را در این باره آورده اند، اما گفته است که چنین احادیث دروغ آشکاری را شیعه جعل کرده است!^۳

۲. تسلیة المَجالس و زینة المَجالس؛ سید محمد بن ابی طالب حسینی موسوی حائری کرکی (متوفای قرن دهم) نویسنده این کتاب از دانشوران گمنام قرن نهم و دهم است. از تاریخ ولادت و وفات او اطلاع چندانی در دست نیست، اما در جایی از این کتاب، از زیارت مرقد

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۱۹.

شریف رسول خدا ﷺ در سال ۹۲۱ ق یاد کرده است^۱ و در جای دیگر از همین اثر، از کتاب دیگرش به نام السجع النفیس فی محاوره الغلام (الدلام) و ابلیس یاد کرده است^۲ که به گفته آقا بزرگ تهرانی، کتاب یاد شده در سال ۹۵۵ ق نگاشته شده است.^۳ بنابراین، زمان نگارش تسلیة المجالس پس از سال ۹۵۵ ق است.

این کتاب در ده مجلس سامان یافته است: مجلس اول (ج ۱، ص ۵۳-۱۳۹) و مجلس پنجم تا دهم (ج ۲، ص ۸۵-۵۴۸) درباره امام حسین ﷺ است. سه مجلس دوم، سوم و چهارم به ترتیب درباره پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ و امام حسن ﷺ است. بنابراین چون بیشتر این کتاب مربوط به امام حسین ﷺ است، به مقتل الحسين ﷺ نیز شهرت دارد.^۴

نگارنده، بدون تصریح به نام کتاب روضة الشهداء از آن نام می برد و می گوید این اثر را همانند آن نگاشتم،^۵ اما با بررسی و مقایسه این نگاشته با روضة الشهداء، دانسته می شود که این اثر، نظم و تدوین روضة الشهداء را نداشته و تنها نثر آن، همانند روضة الشهداء، فصیح و مسجع است. البته از بن مایه و نظریه ای که روضة الشهداء بر آن مبتنی است و بر اساس آن سامان یافته؛ یعنی مسئله آمیخته شدن زندگی پیشوایان و اولیای الهی به بلا، متأثر است.

این کتاب یک اثر تاریخی - روایی است و در گزارش قیام کربلا، کاملاً متأثر از گزارش های مقتل الحسین خوارزمی است و بسیاری از گزارش های آن را با اندکی تفاوت، آورده است. هم چنین علامه مجلسی از این کتاب، بسیار در بحار الانوار بهره برده است. مباحث مجالس مربوط به امام حسین ﷺ به قرار ذیل است:

مجلس اول: در ستم هایی که بر امام حسین ﷺ رفت و ثواب گریستن بر حضرت.

۱. حسینی موسوی حائری کرکی، تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۰.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱ و آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۷.

۵. حسینی موسوی حائری کرکی، همان، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.

مجلس پنجم: در فضائل و مناقب امام حسین علیه السلام و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شهادت آن حضرت.

مجلس ششم: خروج حضرت از مدینه و سکونت در مکه و ارسال مسلم بن عقیل به کوفه. مجلس هفتم: حرکت امام به سوی کوفه و حوادث بین راه و رسیدن به کربلا تا شهادت حضرت و یارانش.

مجلس هشتم: وقایع پس از عاشورا و بردن اسرا به کوفه و شام و خطبه‌های آنان. مجلس نهم: مباحث پراکنده‌ای از قبیل: تعداد جراحات امام حسین علیه السلام، روایات مربوط به شهادت حضرت، پاداش شهادت، بیان موضع حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس درباره قبر امام حسین علیه السلام و قیام مختار. مجلس دهم: فضیلت و پاداش زیارت امام حسین علیه السلام.

۳. بحار الانوار (جلد ۴۴ و ۴۵) و جلاء العیون؛ محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق)

علامه مجلسی به مناسبت پرداختن به زندگی ائمه علیهم السلام در بحار الانوار، بخشی از جلد چهل و چهارم (باب بیست و چهارم از صفحه ۱۷۴ به بعد) و تمام جلد چهل و پنجم (تا پایان باب پنجاه از چاپ جدید و جزء دوم و سوم جلد دهم از چاپ قدیم)؛ یعنی بیش از یک و نیم جلد از این کتاب را به زندگانی امام حسین علیه السلام و مقتل ایشان و حوادث پس از شهادت حضرت در قالب ۲۷ باب، اختصاص داده است. به این بخش از کتاب بحار، مقتل بحار الانوار گفته می‌شود. تاریخ پایان نگارش این جلد (جلد دهم چاپ قدیم) ربیع الاول ۱۰۷۹ است.^۱

برخی از عناوین مطالب این دو جلد بحار الانوار، عبارت‌اند از: امامت آن حضرت و معجزات و مکارم اخلاق او؛ احتجاجات آن حضرت با معاویه؛ آیات تأویل شده درباره شهادت ایشان؛ اخبار خدا به پیامبران درباره شهادت آن حضرت؛ اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و خود امام حسین علیه السلام به شهادتش؛ پاداش گریستن بر مصیبت آن حضرت؛ حوادث پس از بیعت مردم با یزید تا

۱. مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۴۰۹.

شهادت آن حضرت؛ رخ دادهای پس از شهادت امام علیه السلام، رخ دادهای خارق العاده در جهان پس از شهادت آن حضرت (گریستن آسمان و زمین، خسوف و کسوف و...)؛ مرثیه هایی که در سوگ حضرت گفته شده است؛ مجازات قاتلان آن حضرت؛ احوال مردم در روزگار وی؛ همسران و فرزندان امام علیه السلام؛ احوال مختار و جور خلفا به قبر آن حضرت.

البته شایان توجه است که جلد ۹۸ بحار الانوار نیز درباره فضیلت و پاداش زیارت امام حسین علیه السلام و انواع زیارت وارده درباره ایشان است.

مجلسی به سبب آن که اخبار قیام عاشورا را در این اثر از منابع مختلف که در مواردی، ضعیف و مجهول هستند گرد آورده است، در برخی موارد، از نقل گزارش های ضعیف، موهن و سست، مصون نمانده است. برای نمونه، گزارش کیفیت به میدان رفتن و شهادت حضرت عباس که از مشهورترین روضه های اهل منبر و مداحان است، اعتبار چندانی ندارد.^۱ همین طور افسانه ساریان امام حسین علیه السلام،^۲ جریان شفا یافتن دختر یهودی با خون بدن یک مرغ^۳ و قصه مرد اسدی و شیر،^۴ از بی اعتبارترین، سست ترین و موهن ترین گزارش هایی است که در این کتاب آمده است.

بخش مقتل این کتاب با عنوان محن الابرار فی ترجمه مقتل بحار الانوار در معجزه و مصیبت نور دیده احمد مختار به قلم محمد حسن هشترودی تبریزی، ترجمه و منتشر شده است.^۵ هم چنین همین بخش به صورت مهذب با عنوان المختار من مقتل بحار الانوار: عرض و ثائقى موجز لأحداث ثورة الحسين علیه السلام به اهتمام محسن اراکی چاپ شده است.^۶

۱. همان، ص ۴۱ - ۴۲.

۲. همان، ص ۳۱۶ - ۳۱۹.

۳. همان، ص ۱۹۱ - ۱۹۳.

۴. همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۵. خان بابا مشار، فهرست کتاب های چاپی فارسی، ج ۴، ص ۴۶۳۰.

۶. چاپ اول، مجمع الفکر الاسلامی، محرم ۱۴۱۱، ۱۷۴ صفحه (رقعی).

هم چنین مجلسی بیش از یک سوم از کتاب *جلاء العیون* را که مربوط به زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام است، به اخبار و گزارش هایی درباره زندگی، مناقب، معجزات، اخبار غیبی درباره شهادت امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا و حوادث پس از آن، در قالب ۲۳ فصل، اختصاص داده است.^۱ وی در این اثر، گزارش های متعددی را از منابع کهن و متأخر آورده است. البته او در این کتاب همانند بحار الانوار، برخی از گزارش های ضعیف و جعلی را نیز آورده است.^۲

۴. *مقتل الامام الحسین علیه السلام* (جلد ۱۷ *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال*)؛ عبدالله بحرانی (م ۱۱۳۰ ق)

عبدالله بحرانی از شاگردان برجسته علامه مجلسی است. وی جلد هفدهم از کتاب *مفصل خود، عوالم العلوم* را همانند استادش مجلسی، در قالب ۲۷ باب، به شرح زندگانی و قیام امام حسین علیه السلام و حوادث پس از آن و از جمله، قیام مختار اختصاص داده است. ساختار، ابواب و عناوین مطروحه در *عوالم*، تقریباً همانند کتاب *بحار الانوار* است، زیرا وی همانند مجلدات دیگر *عوالم العلوم*، بیشتر مطالب نگاشته خود را از همین بخش از کتاب *بحار الانوار* استناد گرفته و در مواردی، بر آن مطالبی افزوده که این امر سبب شده است که نگاشته او در مقایسه با *بحار الانوار*، حدود صد صفحه حجیم تر شود. البته تبویب و فصل بندی این نگاشته، مناسب تر به نظر می رسد.

۵. *مقام و خاز و ضممام بتار؛ نگاشته فرهاد میرزا معتمدالدوله (م ۱۳۰۵ ق)*

نویسنده این اثر، فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه، از دولت مردان عصر ناصری است.^۳ تاریخ آغاز تألیف کتاب، ۱۳۰۳ و پایان آن، ذی حجه ۱۳۰۴ است.^۴ این اثر

۱. مجلسی، *جلاء العیون*، ص ۲۶۲ - ۴۴۷.

۲. برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷ و ۳۸۷.

۳. برای آگاهی بیشتر درباره زندگی و شرح حال او، ر.ک: اسماعیل نواب صفا، شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله.

به فارسی نگاشته شده و نویسنده آن به سبب تفألی که به قرآن زده و نذری که کرده بود، کتاب را نوشته است.^۱ وی نام اثر خود را با عنوان غریب و ناآشنای «مَقَام زَخَّار و صَمَصام بَنّار؛ دریای آکنده و شمشیر برنده» نام نهاده است. این نگاشته از مقاتل مهم است، زیرا - چنان که خود نویسنده آن گفته است - در نگارش این اثر، تتبع و تحقیق بسیار کرده و از آثار نگاشته شده پس از قرن یازدهم (به سبب عدم اعتبار آن‌ها) استفاده نکرده است،^۲ از این رو نگاشته وی در مقایسه با نگاشته‌های معاصر و حتی پیش از خود، از اعتبار خاصی برخوردار است.

این کتاب در دو جلد سامان یافته است. جلد نخست، زندگی امام حسین علیه السلام و مباحثی همانند قیام مسلم بن عقیل و حوادث مربوط به قیام امام حسین علیه السلام از آغاز تا شهادت اصحاب را در روز عاشورا دربردارد. جلد دوم به مباحثی، از قبیل شهادت بنی هاشم و امام علیه السلام و حوادث پس از شهادت حضرت از قبیل اسارت اهل بیت علیهم السلام و بردن آنان به کوفه و شام و بازگرداندن آنان به مدینه، عقوبت کشندگان امام علیه السلام، قیام توأبین و مختار و بیان اشعاری در سوگ امام پرداخته است. از نکات برجسته و تحقیقی این کتاب، ضبط درست اسامی اشخاص و مکان‌ها و ترجمه و توضیح صحیح معانی اسما، مکان‌ها، لغات، اشعار و امثال در بسیاری از موارد، و در مواردی، معرفی و بیان شرح حال کوتاه برخی از افراد است.

بخش دوم: معرفی چند نگاشته مهم تحریف گستر تاریخ عاشورا در قرن‌های معاصر

مقدمه

چنان که گفته شد، در قرن‌های اخیر آثار بسیاری درباره قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام نگاشته شده است که در این میان، برخی از آن‌ها به سبب شهرت نویسندگانشان یا به سبب برخی از ویژگی‌ها و امتیازات خود نگاشته، تأثیر بسزایی در تبلیغ و ترویج

۴. میرزا معتمدالدوله، مقام زَخَّار و صَمَصام بَنّار، مقدمه عمادزاده، ص ۴ و مقدمه نویسنده، ص ۸.

۱. همان، ص ۵ - ۶.

۲. همان، ص ۸.

برخی از گزارش‌های سست و نادرست و تحریف‌آمیز، و در مواردی موهن در تاریخ عاشورا داشته است. البته مطالعه و بررسی در زمینه‌ها، علل و عوامل جعل و ترویج گزارش‌ها و باورهای تحریف‌آمیز و وارونه در تاریخ‌نگاری عاشورا، پژوهش مستقلی را می‌طلبد، اما آن‌چه در این نگاشته مختصر می‌توان به آن اشاره کرد، آن‌که از قرن پنجم به بعد، دانش تاریخ‌نگاری به تدریج رو به افول گذاشت. این امر معلول عواملی، از قبیل دور شدن از منابع کهن و به فراموشی سپردن تدریجی آن‌ها از یک سو، و بی‌توجهی و حتی حذف عمدی آن‌ها از طرف برخی از فرقه‌های مذهبی متعصب از سوی دیگر و اقبال و توجه خاص جامعه به بیشتر دانستن دربارهٔ این واقعه از سوی سوم بود. در نتیجه، زمینه نگارش آثار تحقیقی از میان رفت و جای خود را به نگاشته‌هایی با رویکردهای ادبی و اجتماعی داد که بیشتر متأثر از عواملی، چون باورهای مذهبی، ذوق و سلیقه‌های شخصی و درونی نویسندگان، شرایط اجتماعی و جغرافیایی حاکم بر پدید آورانندگان آن آثار و توجه به سلیقه و خواست مخاطبان و خوانندگان بود.

به تعبیر دیگر، از دورهٔ یاد شده، مقتل نویسان و تاریخ‌نگاران عاشورا از یک سو به سبب دلایلی که بیان شد به روایات و گزارش‌های تاریخی کهن واقعهٔ عاشورا کمتر توجه داشتند و از سوی دیگر، به سبب عظمت این حادثه و شیفتگی جامعهٔ شیعه و حتی سنی برای افزودن به آگاهی‌های خود دربارهٔ این واقعه، زمینه را برای توسعه و شاخ و برگ دادن به برخی از اخبار این واقعه و حتی در مواردی، جعل آن، فراهم دیده و بسته به ذوق و تعهد و تخصص‌شان در این حوزه، به حوادث و روی دادهای این واقعه افزودند، تا آن‌جا که از قرن دهم به این سو با نگارش روضة الشهداء، این رویکرد شتاب خاصی به خود گرفته و در طول چهار قرن بعد، نگاشته‌هایی از قبیل منتخب طریحی، تظلم الزهرای قزوینی، محرق القلوب نراقی، الدمعة الساکبه بهبهانی، معالی السبطين مازندرانی و از همه مهم‌تر، اکسیر العبادات دربندی پای به عرصه وجود گذاشتند که چون نویسندگان آن‌ها عمدتاً از دو زاویهٔ ابتلا و آزمایش و نگاه عاطفی و احساسی که غم و اندوه، یکی از عناصر لازم و مهم این نوع نگاه

است، به این حادثه نگریستند، در روایت و برداشت خود از این حادثه بزرگ، چندان پای‌بند به مصادر کهن و قابل اعتماد تاریخی نشدند، بلکه آن‌چه بیشتر مورد عنایت و تأکید آنان بود، تدوین و تألیف اثری عاطفی - احساسی و حزن‌آور و غم‌انگیز درباره این واقعه و به قصد مجالس روضه‌خوانی و سوگواری بود تا مخاطبان و شنوندگان آن، هرچه بیشتر متألم و متأثر شده و عزاداری و گریه کرده و اشکی بریزند. از این رو به کارگیری واژگان و مضامینی از قبیل گریستن (بکاء)، اشک (دمع)، مصیبت، حزن و غم، غربت و بی‌کسی، تشنگی، اسارت، ذلت و خواری، بلا و ابتلا در این گونه برداشت، بسیار رایج، و در مواردی مبالغه‌آمیز بوده است. البته در این میان آن‌چه به چنین برداشتی از تاریخ عاشورا بیشتر دامن زده و آن را فزون‌تر مورد تأکید و تأیید قرار داد، رویکرد سطحی و عوام‌پسند برخی از شاعران، مداحان و تعزیه‌خوانان بود که در محافل و مجالس مداحی و تعزیه‌خوانی، بر طبل چنین برداشتی هرچه بیشتر کوبیدند تا از این ره‌گذر، اندوه و ماتم بیشتری از مستمعان خود طلب کرده و گریه و اشک افزون‌تری از آنان بگیرند، چرا که شنیده بودند که بر اساس روایات بسیاری، گریه و عزاداری در سوگ امام حسین علیه السلام بالاترین پاداش‌ها را دارد، و در این میان آنان برای رسیدن به چنین پاداشی، استفاده از هر وسیله‌ای را بلامانع دانستند، هرچند به قیمت نادیده گرفتن اخبار معتبر درباره این حادثه باشد، چرا که بسیاری از اخبار یاد شده با سلیقه و مذاق چنین برداشتی، ناهم‌گون بود و از تأمین چنین هدفی، ناتوان.

به هر تقدیر، نگاه اجمالی به اسامی برخی از آثاری که از دوره صفوی به بعد و بیشتر در عصر قاجار در تاریخ عاشورا نگاشته شده است، این ادعا را به خوبی تأیید می‌کند. آثاری از قبیل: طریق البکاء، طوفان البکاء، عمان البکاء، محیط البکاء، امواج البکاء، ریاض البکاء، مفتاح البکاء، منبع البکاء، مخزن البکاء، معدن البکاء، مناهل البکاء، مجری البکاء، سحاب البکاء، عین البکاء، کنز الباکین، بکاء العین، مبکی العیون، مبکی العینین، المبکیات، بحر البکاء فی مصائب المعصومین، بحر الحزن، بحر الدموع، بحار الدموع، فیض الدموع، عین الدموع، سحاب الدموع، ینبوع

الدموع، منبع الدموع، دمع العین، مدامع العین، مخازن الاحزان، بیت الاحزان، ریاض الاحزان، قبسات الاحزان، بحر غم، داستان غم، غمکده، ماتمکده، بستان ماتم، هم و غم، نشتر غم، کنز المصائب، مجمع المصائب، وجیزه المصائب، اکلیل المصائب، ابتلاء الاولیاء و بلا و ابتلا در رویداد کربلا.

اکنون در ادامه، مهم ترین منابع تحریف گستر در تاریخ عاشورا با ارائه برخی از گزارش های تحریف آمیز آن ها، شناسایی و معرفی می شوند:

۱. روضة الشهداء

کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق) استاد ادب پارسی و نویسنده کتاب روضة الشهداء، بلایا و مصائب انبیا را از آدم تا پیامبر ﷺ در این اثر نگاشته و در ادامه، به مصائب امامان علیهم السلام پرداخته است. در این میان، او بیش از نیمی از کتاب را به زندگی امام حسین علیهم السلام و واقعه عاشورا و حوادث پس از آن، اختصاص داده است؛ یعنی چهار باب آن (باب هفتم تا دهم) درباره امام حسین علیهم السلام و خاندان و یارانش است و کمتر از نیمی از آن (باب اول تا ششم و خاتمه) در این باره نیست. فهرست ابواب مربوط به امام حسین علیهم السلام چنین است:

باب هفتم: در مناقب امام حسین علیهم السلام از ولادت آن حضرت و بعضی از احوال وی بعد از برادر.

باب هشتم: در شهادت مسلم بن عقیل بن ابی طالب و قتل بعضی از فرزندان او.

باب نهم: در رسیدن امام حسین علیهم السلام به کربلا و محاربه نمودن با اعدا و شهادت آن حضرت با اولاد و اقربا و سایر شهدا.

باب دهم: در وقایعی که اهل بیت علیهم السلام را بعد از واقعه کربلا پیش آمده و عقوبات مخالفان که مباشر آن حرب شدند.^۱

با توجه به آن که کاشفی، مرام صوفیانه داشته، تحلیلی که از نهضت عاشورا کرده

۱. این فهرست بر اساس نسخه چاپ انتشارات اسلامیه است.

است، بر بنیاد تحمل درد و رنج توسط اولیای خداست؛ به این معنا که خدا با خلق واقعه کربلا، یکی از بندگان برگزیده خود را گرفتار رنج و بلا کرد تا او را به مقامات عالیه برساند، زیرا این یک سنت الهی است که همه اولیا و مقربان الهی باید از جام بلا بنوشند، اما:

آن‌که در این بزم مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند
و آن‌که ز دلبر نظر خاص یافت داغ غنای بر جگرش می‌نهد^۱

وی تا پایان کتاب، از ماهیت و ابعاد دیگر قیام عاشورا، به ویژه بعد سیاسی آن، هیچ سخنی به میان نیاورده است.

کاشفی این کتاب را به درخواست یکی از اعیان و سادات بزرگ هرات با نام «مرشد بالله» معروف به «سید میرزا» در اواخر عمر خویش نگاشته است؛^۲ یعنی زمانی که «به واسطه کبر سن و دیگر موانع» نمی‌توانسته «رایت فصاحت در میدان بلاغت» برافزارد.^۳ تاریخ نگارش این اثر در سال ۹۰۷ ق (نه ۹۰۸) بوده، چرا که خود گفته است که «از روز شهادت امام حسین علیه السلام تا تاریخ تألیف این کتاب که قریب به هشت صد و چهل و هفت سال است هرگاه که ماه محرم نشود...»^۴.

درباره مذهب کاشفی، به یقین نمی‌توان سخن گفت، زیرا از آن رو که نامش حسین بوده و زادگاهش سبزواری که از زمان‌های دور، به تشیع شهرت داشته است، بایستی او را شیعه دانست. اما برخی قراین و شواهد، بر سنی بودن او دلالت دارد، از جمله سکونت طولانی وی در هرات، و ارتباط و دوستی با افرادی، همانند امیر علی شیر نوایی و عبدالرحمان جامی که آن دو از صوفیان نقش‌بندیده بوده‌اند، و چنان‌که می‌دانیم این فرقه، تنها فرقه‌ای است که ابوبکر را سرسلسله خویش

۱. حسین بن علی واعظ کاشفی، روضة الشهداء، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۴۱. از جمله اخیر دانسته می‌شود که این اثر پیش از محرم ۸۴۷، یعنی در سال ۸۴۶ نگاشته شده است که اگر به این تاریخ، ۶۱ سال افزوده شود، ۹۰۷ می‌شود، نه ۹۰۸ چنان‌که بسیاری گفته‌اند.

می‌داند. بنابراین اگرچه آن دو به اهل بیت علاقه بسیار داشتند، اما از رفض بی‌زار بودند.^۱ از این رو می‌توان گفت که کاشفی بر مذهب سنی حنفی بوده، چنان‌که افندی از برخی از فوائد میرداماد، نقل کرده است که کاشفی را حنفی مذهب دانسته است.^۲

کاشفی اطلاعات زیادی درباره منابع کتابش ارائه نکرده و در نقل گزارش‌های مهم که لازم است مأخذ خود را بیان کند، طفره رفته است. در موارد بسیاری نیز که منبع خود را ذکر کرده، منابع کتابش، نامشهور و نامعتبر است، چنان‌که افندی پس از آن که می‌گوید کاشفی از منابع شیعی چون عیون اخبار الرضا، ارشاد، اعلام الوری و کتاب الآل ابن خالویه بهره برده است، می‌افزاید:

اما بیشتر روایات این کتاب و حتی همه آن‌ها از کتاب‌های غیر مشهور و حتی غیر قابل اعتماد گرفته شده است.^۳

دلیل عدم اعتبار علمی این کتاب را باید در این امر جست‌وجو کرد که کاشفی برای ارائه گزارش گران‌سنگ این واقعه مهم، از شیوه علمی تاریخ‌نگاری که بنیاد آن بر منابع اصیل کهن تاریخی و نقد و پالایش گزارش‌های مربوط به این حادثه است، بهره نبرده، از این رو، به تعبیر یکی از محققان معاصر، روضة الشهداء کتاب تاریخی نیست، بلکه اثری ادبی و ژمان تاریخی است^۴ که شرایط اجتماعی و علمی و فرهنگی حاکم بر روزگار حیات نگارنده، آن را فراهم ساخته بود. به تعبیر دیگر، این اثر، محصول دوره‌ای است که نقد و بررسی علمی در مراکز علمی و آکادمیک ایران و ماوراءالنهر چندان وجود نداشته و متن‌های ادبی داستانی، همانند ابومسلم‌نامه‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر درباره شرح حال، مذهب و نیز کتاب روضة الشهداء کاشفی، ر.ک: رسول جعفریان، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضة الشهداء»، چاپ شده در: مقالات تاریخی، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۲۱۰.
- این مقاله قبلاً در این دو منبع با تفاوت در عنوان آن آمده است: ۱. آینه پژوهش، سال ششم، ۱۳۷۴ ش، شماره ۳۳، ص ۲۰ به بعد. ۲. تأملی در نهضت عاشورا، از همین نویسنده، ص ۳۱۹ - ۳۵۹ و هم چنین ر.ک: محمد اسفندیاری، کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، ص ۸۸ - ۹۳.
۲. میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۱۸۶.
۳. همان، ج ۲، ص ۱۹۰.
۴. رسول جعفریان، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضة الشهداء»، همان، ص ۳۵۴.

و حمزه نامه‌ها در دست‌رس مردم بوده است که پس از بین رفتن متن‌های یاد شده، کتاب کاشفی جایگزین آن‌ها شده است.^۱

یکی دیگر از محققان درباره شیوه و ارزش تاریخ نگاری این اثر، چنین قضاوت کرده است: روضة الشهداء پیش از آن‌که کتابی تاریخی باشد، «داستان‌پردازی تاریخی» است. و چون داستان‌پردازی است، «تخیلی» هم هست. و چون نویسنده آن ادیب و اثنانویس است، «داستان‌آفرینی» هم در آن مشاهده می‌شود.^۲

پیامد پذیرش فراگیر و استقبال مناسب از چنین آثاری از سوی عامه مردم و حتی از سوی علما و دانشمندان، سبب شد تا این کتاب به سرعت جای خود را در محافل عزاداری شیعی و سنی باز کند، چندان‌که وعاظ و خطبا در منابر و محافل، مصائب امام حسین علیه السلام و خاندانش را از روی این کتاب خوانده و تعبیر «روضه خوان» از این کتاب برای مجالس روضه خوانی، به عاریت گرفته شده است.^۳

نکته آخر در این باره آن‌که از این کتاب، نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌ها موجود است و این نگاشته، چندین بار تلخیص و به چند زبان ترجمه شده که برخی از ترجمه‌های آن، منظوم است.^۴

برخی از نمونه‌های مهم تحریف

۱. گزارش نادرست و در مواردی افسانه‌ای جریان حضور، فعالیت‌ها و قیام مسلم بن

عقیل در کوفه و نیز شهادت دو نوجوان وی.^۵

۲. پیوستن ده هزار از شامیان به فرماندهی عامر بن طفیل به ابن زیاد!^۶

۱. همان.

۲. محمد اسفندیاری، همان، ص ۹۲.

۳. خوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۲۳۰.

۴. برای آگاهی از نسخه‌ها، تلخیص‌ها و ترجمه‌های این کتاب، ر.ک: چارلز امبروز استوری، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ج ۲، ص ۹۰۳ - ۹۱۲ و احمد منزوی، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۳، ص ۱۶۶۱ - ۱۶۶۴.

۵. واعظ کاشفی، همان، ص ۲۷۱ - ۳۰۴.

۶. همان، ص ۲۸۲.

۳. ذکر برخی از نام‌های جعلی، از قبیل زهیر بن حسان اسدی، سامر، حجر حَجَّار، حماد بن انس، وقاص بن مالک، شریح بن عبید، قیس بن منبه، هاشم بن عتبّه و... به عنوان اسامی دو سپاه امام حسین علیه السلام و عمر سعد.^۱
۴. عروسی حضرت قاسم!^۲
۵. حضور زعفر جَنّی زاهد در کربلا و اعلام یاری به امام حسین علیه السلام و نپذیرفتن حضرت!^۳
۶. جریان شنایافتن دختر معلول یهودی با خون بال یک مرغ.^۴
۷. افسانه شیرین خانم!^۵
- و...

۲. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب (مشهور به «الفخری»)

فخرالدین طریحی (۹۷۹ - ۱۰۸۷ ق)^۶ نگارنده کتاب المنتخب فی جمع المراثی و الخطب (مشهور به الفخری) است.^۷ این کتاب را نمی‌توان نگاشته‌ای تاریخی درباره زندگی امام حسین علیه السلام یا تاریخ قیام عاشورا و مقتل سید الشهداء علیه السلام دانست، بلکه مجموعه‌ای از روایات و مراثی حزن‌برانگیز و گریه‌آور است که در قالب نثر خطابی و

۱. همان، ص ۳۵۴-۳۸۸.

۲. همان، ص ۴۰۰-۴۱۰.

۳. همان، ص ۴۳۱-۴۳۲.

۴. همان، ص ۴۴۷-۴۴۹.

۵. همان، ص ۴۵۹-۴۶۲.

۶. درباره نسب، سال تولد و وفات، شخصیت و آثار طریحی، ر.ک: مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۸۶، مقدمه. محقق یاد شده در این مقدمه، منابعی که به ترجمه و شرح حال طریحی پرداخته‌اند، فهرست کرده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۳۲ - ۳۳۵؛ خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۵، ص ۳۴۹ - ۳۵۳ و محدث قمی، الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۴۴۸.

۷. بنا به گزارش شیخ حر عاملی، طریحی، نگاشته دیگری با عنوان مقتل الحسین علیه السلام داشته که غیر از کتاب منتخب وی است (محمدحسن حرّ عاملی، امل الأمل، ج ۲، ص ۲۱۵). این کتاب منخطوط و چاپ نشده است و شیخ آقا بزرگ، نسخه‌ای از آن را در کتابخانه محمدعلی خوانساری در نجف، دیده است (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۷).

شعر سامان یافته است. بیشترین مباحث این کتاب درباره امام حسین علیه السلام و پاره‌ای از آن‌ها در مورد برخی امامان دیگر است و به صورت جُنگ و کشکول، تدوین و نگارش شده است. این اثر، دو جزء دارد و هر جزء، ده مجلس و هر مجلس، شامل چند باب است. در هر مجلس و هر باب، مباحثی متعدد و بی‌ارتباط به هم مطرح شده است. نویسنده در نگارش این کتاب بر نقلیات کتاب *روضه الشهداء* کاشفی اعتماد کرده و بسیاری از مطالب جعلی و نادرست را از کتاب یاد شده نقل کرده است. طریحی اگرچه در زمان نگارش این اثر، از وعاظ و منبری‌های توانمند و خبره در فن خطابه و وعظ بوده، اما از بضاعت علمی چندانی برخوردار نبوده است. متن کتاب نشان‌دهنده آن است که وی ابتدا مطالب آن را در ایام محرم در محافل و مجالس روضه‌خوانی می‌خوانده و سپس آن را در قالب مجالس نگاری، سامان داده است. این کتاب به سبب نقل گزارش‌ها و نقلیات غیر معتبر و بی‌اساس، از سوی بسیاری از اندیشمندان و حدیث‌شناسان، نقد شده است.^۱ با این وجود، این اثر، جایگاه خود را به خوبی در میان روضه‌خوانان باز کرده و بسیاری از نقلیات آن در مقاتل بعدی منعکس شده و در قرن‌های اخیر، زمینه تحریفات بسیاری را در مقتل خوانی امام حسین علیه السلام فراهم ساخته است.

نمونه‌های مهم تحریف

۱. هفتاد هزار نفر بودن سپاه عمر سعد.^۲
۲. انتساب جملات «هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار»^۳ و «استقونی شربة من الماء»^۴ به امام حسین علیه السلام.
۳. افسانه عروسی حضرت قاسم.^۵

۱. محدث نوری، *لؤلؤ و مرجان*، ص ۱۸۳ - ۱۸۴؛ میرزا محمد اشراقی معروف به ارباب، *الاربعین الحسینیة*، ص ۵۶، ۱۴ و ۲۰۸.

۲. طریحی، *المنتخب فی جمع المراثی و الخطب*، ص ۳۷ و ۲۸۰.

۳. همان، ص ۲۲، ۲۰۰، ۲۶۳ و ۳۸۸.

۴. همان، ص ۴۵۱.

۵. همان، ص ۳۷۲ - ۳۷۵.

۴. کشته شدن ده هزار نفر از سپاه دشمن به دست امام حسین علیه السلام! اما چون تعداد لشکریان بسیار بودند، این تعداد کشته در سپاه آنان شکاف ایجاد نکرد.^۱
۵. افسانه ساریان امام علیه السلام.^۲
۶. گزارش دو قصه شیر و فِضّه و شیرگریان بر امام علیه السلام.^۳
۷. خبر مسلم جصاص (گج کار) و نان، خرما و گردو دادن کوفیان به اطفال اهل بیت علیهم السلام.^۴

۳. مقتل الحسين علیه السلام منسوب به ابومخنف

چنانکه پیشتر اشاره شد، به سبب قدمت و اعتبار اخبار و گزارش‌های ابومخنف دربارهٔ حادثه کربلا، از قرن ششم به بعد، برخی از اخبار جعلی و سست به این مورخ نسبت داده شده است که هیچ اثری از آن را در منابع معتبر که به نقل گزارش‌های ابومخنف پرداخته‌اند، نمی‌توان یافت. جعل اخبار دروغین و سست و بی‌محتوا و انتساب آن به ابومخنف در قرن‌های بعدی تا آنجا پیش رفت که برخی در قرون معاصر، به نگارش کتابی منتسب به ابومخنف با نام *مقتل الحسين علیه السلام المشتهر بابی مخنف دست یازیده تا با این انتساب، اخبار جعلی و سست را به خوانندگان و مخاطبان، بقبولانند.*

برخی از نمونه‌های تحریف

۱. گزارش اخبار مقتل از ابومخنف و او از هشام و او از پدرش محمد بن سائب کلبی! در حالی که هشام شاگرد ابومخنف است و او از ابومخنف روایت کند نه ابومخنف از هشام و او از پدرش محمد بن سائب کلبی!^۵
۲. نقل خبری از کلینی! در حالی که ابومخنف متوفای ۱۵۷ق است و کلینی متوفای ۳۲۹ق!^۶

۱. همان، ص ۴۶۳.

۲. همان، ص ۹۰ - ۹۲.

۳. همان، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.

۴. همان، ص ۴۶۴ - ۴۶۵.

۵. ابومخنف، *مقتل الحسين علیه السلام*، ص ۲.

۶. همان، ص ۷.

۳. دست‌گیری مسلم بن عقیل در کوفه به این شیوه که گودالی کنده شده و او در گودال افتاد، سپس او را کتف بسته نزد ابن زیاد بردند.^۱

۴. گزارش بازگشت امام حسین علیه السلام از راه کربلا به مدینه، هنگام شنیدن خبر کشته شدن مسلم و هانی و پناه بردن حضرت به قبر جدش پیامبر و گریه کردن وی در آن جا!^۲

۵. سوار شدن امام علیه السلام بر هفت اسب و فرود آمدن از آن‌ها به سبب توقف و نرفتن آن‌ها به سوی کربلا!^۳

۶. جریان کشته شدن طرماح بن عدی در کربلا با آن‌که وی اساساً در کربلا حضور نداشت.^۴

۷. نسبت دادن برخی از گفته‌ها به امام حسین علیه السلام از قبیل: «قد استرحت من هم الدنيا و...» و به حضرت زینب همانند: «لیتینی كنت قبل هذا اليوم عمیاء و...» هنگام شهادت حضرت علی اکبر.^۵

۸. شش ماهه بودن طفل شیرخوار امام علیه السلام و این‌که وی سه روز آب نخورده است، و این‌که وقتی تیر به طفل شیرخوار خورد، گوش تا گوش وی بریده شد!^۶

۹. نشستن شمر بر سینه امام علیه السلام و گفت‌وگوی حضرت با وی در این باره که آیا شفاعت جدش بهتر است یا دریافت جایزه از یزید که چون شمر گفت: دریافت جایزه، امام از او طلب آب کرد، اما او در پاسخ گفت: به خدا سوگند، آب نمی‌نوشی تا این‌که ذره ذره مرگ را بچشی.^۷

۱۰. بردن سر امام علیه السلام از قفا توسط شمر، چرا که از امام حسین علیه السلام شنید که جدش

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۸ - ۴۹.

۴. همان، ص ۷۲.

۵. همان، ص ۸۲ - ۸۳.

۶. همان، ص ۸۳.

۷. همان، ص ۹۲.

پیامبر او را به سگ تشبیه کرده است. و چون شمر هر عضوی را از سر امام قطع می‌کرد، امام می‌گفت: وامحمداه، واعلیاه، واحسناه،...!

۴. تظلم الزهراء علیها السلام من إهراق دماء آل العباء

رضی بن نبی قزوینی (زنده تا ۱۳۴۱ق) نویسنده تظلم الزهراء من إهراق دماء آل العباء است. تاریخ تألیف آن سال ۱۱۱۸ ق است. نگارنده در مقدمه کتابش گفته است که این اثر، شرح کتاب ملهوف سید بن طاووس است و بیشتر مآخذ آن، منابع بحارالانوار، از قبیل ملهوف، مجالس (امالی) شیخ صدوق، ارشاد شیخ مفید، منتخب طریحی، مثیر الاحزان، مقاتل الطالبیین، مناقب آل ابی طالب، تسلیة المجالس سید محمد بن ابی طالب حسینی و... است.^۲ ترتیب و تبویب این کتاب، همانند ملهوف، از سه مقدمه و سه مسلک و خاتمه سامان یافته است که هر مسلک و خاتمه، در بردارنده چند مجلس است. مقدمه نخست: برخی از معجزات و کرامات و مکارم اخلاقی و احتجاجات امام حسین علیه السلام. مقدمه دوم: برخی از روایات در فضیلت گریستن و تباکی بر آن حضرت و دیگر ائمه علیهم السلام. مقدمه سوم: در روایات وارده در آداب عزاداری، به ویژه در تاسوعا و عاشورا. اما مسلک اول، در امور پیش از جنگ و شامل شش مجلس است. مسلک دوم، در حوادث کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران حضرت که چهار مجلس است. مسلک سوم، اسارت اهل بیت (و رفتن به کوفه، شام، گزارش حضور اهل بیت علیهم السلام در روز اربعین در کربلا و بازگشت آنان به مدینه که دارای چهار مجلس است. خاتمه کتاب بیش از ۱۶۰ صفحه است که مباحثی همانند رجعت امام حسین علیه السلام در عصر حضرت حجت علیه السلام، عقوبت و عذاب گشندگان امام حسین علیه السلام، قیام مختار و موضع حاکمان اموی و عباسی در برابر قبر امام حسین علیه السلام را در بردارد.

واعظ تبریزی خیابانی افزون بر آن که بر برخی از گزارش‌های این کتاب خرده

۱. همان، ص ۹۳.

۲. رضی بن نبی قزوینی، تظلم الزهراء من إهراق دماء آل العباء، ص ۶.

گرفته و نویسنده آن را به سبب نقل چنین اخباری، سرزنش کرده است، گفته است که برخی از استنساخ‌کنندگان در آن دست برده و دخل و تصرف‌هایی کرده‌اند.^۱ در تصحیح این کتاب که توسط یکی از محققان صورت گرفته، این سخن خیابانی، نادیده گرفته شده است.

نمونه‌های مهم تحریف

۱. تأویل آیه کهی‌عص که به نقل از شیخ صدوق آورده است.^۲
۲. مجروح شدن طرم‌اح بن عدی در روز عاشورا و گزارش او،^۳ در حالی که اساساً طرم‌اح در کربلا حضور نداشته است.
۳. نقل گزارش منتخب طریحی درباره کشته شدن ده هزار نفر از سپاه دشمن به دست امام حسین علیه السلام و توجیه و تأیید آن.^۴
۴. نقل گزارش مجعول ابن شهر آشوب درباره تعارف کردن امام حسین علیه السلام و اسبش به یگدیگر بر سر خوردن آب و در نهایت، محرومیت هر دو.^۵
۵. انتساب جمله «اسقونی شربة من الماء فقد نشفت کبدی من الظماء» به امام علیه السلام.^۶
۶. زیان حال ذلیلانه و مرثیه بی‌اساس زنان اهل بیت علیهم السلام بر بالین امام علیه السلام.^۷
۷. قصه شیر و فضه.^۸
۸. خبر مسلم جصاص (گج‌کار) و دادن نان، خرما و گردو به کودکان اهل بیت علیهم السلام.^۹

۱. واعظ تبریزی، خیابانی، وقایع الایام فی تتمه محرم الحرام، ج ۴، ص ۱۱۲ - ۱۲۱.
۲. رضی بن نبی قزوینی، همان، ص ۸۷. محققان معاصر به تفصیل، به نقد این خبر پرداخته‌اند (محمد تقی شوشتری، الاخبار اللخیله، ج ۱، ص ۹۶ - ۱۰۴ و هاشم معروف حسنی، الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۲۴۷ - ۲۴۹).
۳. رضی بن نبی قزوینی، همان، ص ۲۲۷.
۴. همان، ص ۲۰۸.
۵. همان، ص ۲۰۷.
۶. همان، ص ۲۰۶ و ۲۱۹.
۷. همان، ص ۲۱۸ - ۲۲۳.
۸. همان، ص ۲۲۶.
۹. همان، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

۹. قصه فاطمه صغری.^۱

۱۰. گزارش خواب حضرت سکینه در شام.^۲

۱۱. قصه پرنده خونین بال و شفای دختر یهودی.^۳

۵. محرق القلوب

محمد مهدی بن ابی ذرکاشانی مشهور به نراقی^۴ (۱۲۰۹ یا ۱۲۱۱ع) صاحب کتاب محرق القلوب است. وی پدر ملا احمد نراقی صاحب کتاب معراج السعادة و جامع السعادات است. کتاب محرق القلوب که به فارسی نگاشته شده، مفصل و دارای دو مقدمه و بیست مجلس است.^۷ این اثر چون مطالب تحریف آمیز بسیاری دارد، در گذشته مورد استقبال قرار نگرفت و تنها چاپ سنگی شد.

نمونه‌های مهم تحریف

۱. حضور هاشم بن عتبه مرقال (پسر عموی عمر سعد) در روز عاشورا در کربلا در حالی که یک نیزه هیجده زرعی در دست داشت و کسب اجازه وی از امام علیه السلام برای نبرد با سپاه عمر سعد و گزارش نبرد افسانه‌ای وی.^۸ حال آن‌که بر اساس گزارش‌های معتبر تاریخی، هاشم از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در جنگ صفین پرچم‌دار حضرت بود و با سپاهیان معاویه جنگید تا شهید شد.^۹
۲. حضور سپاه هزار نفری از شامیان در کربلا به فرماندهی شمعان (شمعون) بن مقاتل.^{۱۰}

۱. همان، ص ۲۸۳ - ۲۸۴.

۲. همان، ص ۲۷۶ - ۲۷۸.

۳. همان، ص ۲۳۳ - ۲۳۵.

۴. درباره شخصیت و آثار نراقی، ر.ک: میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۵. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۹.

۶. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۷. نراقی، محرق القلوب، ص ۲.

۸. همان، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۹. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ص ۱۹۳ و ۳۵۳.

۱۰. نراقی، همان، ص ۱۱۸.

۳. حکایت زعفر زاهد.^۱

۴. افسانه عروسی حضرت قاسم و کیفیت نبرد افسانه‌ای وی با دشمن.^۲

۵. انتساب جمله «شیر در پستان مادر وی خشکیده، او را جرعه آبی دهید» به امام حسین علیه السلام درباره طفل شیرخوار و این‌که طفل یاد شده پس از تیر خوردن، به روی پدر نگاهی کرده و پس از تبسمی، به شهادت رسید.^۳

۶. قصه مرغ خونین‌بال و شفای دختر یهودی.^۴

و....

۶. اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت

ملا آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی دربندی حائری معروف به فاضل دربندی (م ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶ ق)^۵ نویسنده کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت مشهور به اسرار الشهادت است که به تفصیل، حادثه عاشورا را شرح داده است. او این اثر را در ۴۴ مجلس و دوازده مقدمه و یک خاتمه (که خاتمه نیز سه مجلس دارد) نگاشته است. مدت نگارش این اثر، هیجده ماه و تاریخ پایان نگارش آن، روز جمعه، پانزدهم ذی‌قعدة سال ۱۲۷۲ بوده است.^۶

این کتاب ویژگی‌هایی دارد که در این میان، سه ویژگی آن، برجسته به نظر می‌رسد:

۱. تحلیلی بودن آن: نویسنده تنها به تدوین اخبار و توصیف وقایع نپرداخته است، بلکه به سبب آشنایی وی با حکمت و معقولات و داشتن ذهنی خلاق و نقاد، به تحلیل گزارش‌ها و کیفیت جمع بین اخبار معارض، پرداخته است.

۱. همان، ص ۱۵۲.

۲. همان، ص ۱۲۶ - ۱۳۰.

۳. همان، ص ۱۴۹.

۴. همان، ص ۱۰۸.

۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، ص ۱۳۹ و شیخ آقا بزرگ تهرانی، همان، ج ۱۱، ص ۱۳۹ و ۲۷۹.

۶. فاضل دربندی، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت، ج ۳، ص ۹۱۹.

۲. **مجموع و خرافه آمیز بودن آن:** نویسنده در این اثر، افزون بر آن که گزارش های مجموع بسیاری و در مواردی، خرافه آمیز نقل کرده است، دست به توجیه آن ها زده و دلایلی برای درستی آن ها ساخته است!

۳. **مفصل بودن آن:** این کتاب تا عصر خود، مفصل ترین کتاب در تاریخ عاشورا است و تا آن تاریخ، نگاشته ای به این تفصیل، فراهم نشده بود.^۱

در بندی «در اقامه مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام، مواظب و متصلب و راسخ بود، به نحوی که در بالای منبر، از شدت گریه، غش می کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می کند و لنگ می بست و خاک بر سر می ریخت و گِل به تن می مالید و به همان هیئت بر منبر می رفت».^۲

او مؤسس یا مروج قمه زنی بود. مهدی بامداد در این باره نگاشته است:
او است که تیغ زدن را بر سر... جازز دانست و خود نیز عمل می کرده است و از این تاریخ است که مردم عوام... به تبعیت وی در ایام عاشورا به این عمل دست زده اند.^۳

در بندی چون در گزارش این حادثه، مبنای منحصر به خود را داشته، از نقل مطالب ضعیف و بی اساس و در مواردی، موهن، ابایی نداشته است. سخن او درباره چگونگی بهره گیری وی در نگارش اثرش از کتابی که متعلق به یکی از روضه خوانان معاصر خود به نام سید جعفر بوده، در واقع، بیان گر مبنای سست و بی پایه او در نقل گزارش های مربوط به تاریخ عاشورا است.^۴

این اثر به سبب داشتن اخبار و گزارش های سست و بی اساس، از همان آغاز مورد نقد و خرد گیری معاصران نویسنده و اندیشمندان بعدی قرار گرفته است، چنان که حدیث شناسان و اندیشمندانی، همانند محدث نوری،^۵

۱. محمد اسفندیاری، همان، ص ۱۱۱.

۲. میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۰۹.

۳. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۳۸.

۴. فاضل دربندی، همان، ج ۲، ص ۳۰۵ - ۳۰۶.

۵. میرزا حسین نوری، همان، ص ۱۶۷ - ۱۶۹ و ۱۹۵.

تنکابنی،^۱ شیخ آقا بزرگ تهرانی،^۲ سید محسن امین^۳ و استاد مطهری^۴ بر این کتاب، ایرادهای بسیاری گرفته اند.

به گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی، دربندی خود این کتاب را از فصل «مقام وحدة الحسین» در سیزده باب (که هر باب شامل چند مجلس است) ترجمه کرده و به نام ناصرالدین شاه، سعادات ناصری نام گذاری کرد که بارها چاپ شده است.^۵ هم چنین شخصی به نام میرزا محمد حسین بن علی اکبر این کتاب را به فارسی برگرداند و با عنوان *انوار السعادة فی ترجمة اسرار الشهادة* در تبریز چاپ کرد.^۶ به سبب عربی بودن متن *اسرار الشهادة* و تفصیل آن، دربندی، بعدها مقتلی مختصر و فارسی با نام *سرمایه ایمان و جواهر ایقان* در ترجمه و شرح *اسرار الشهادة*^۷ نوشت که این نیز چاپ شده است.^۸

شایان توجه است که چاپ قدیم این اثر، مطالب دروغ و خلاف واقع بیشتری دارد، اما در چاپ و تحقیق جدید آن، برخی از مطالب سخیف و سست آن، حذف شده است.^۹ صرف نظر از مبنای نادرست و غیر علمی نویسنده، از کتابی که به این گستردگی و با این سرعت تألیف شده (چنان که گفته شد مفصل ترین کتاب درباره

۱. میرزا محمد تنکابنی، همان، ص ۱۰۸.
۲. آقابزرگ تهرانی، همان، ج ۲، ص ۲۷۹.
۳. سید محسن امین عاملی، *اعیان الشیعه*، ج ۲، ص ۸۸.
۴. شهید مطهری، *حماسه حسینی*، ج ۱، ص ۵۵.
۵. آقابزرگ تهرانی، همان، ج ۲، ص ۲۷۹ و ج ۱۲، ص ۱۷۹ - ۱۸۰.
۶. همان، ج ۲، ص ۴۲۹.
۷. همان، [بی جا، بی نا، بی تا]، *دبایچه کتاب*، ص ۳. اما ناشر در آغاز کتاب، نام آن را *جواهر الایقان و سرمایه ایمان* نهاده است.
۸. همان، ج ۵، ص ۲۶۴.
۹. همان، ج ۱، ص ۲۹. برای نمونه در چاپ قدیم (تهران، منشورات اعلی، [بی تا])، مجلس دهم، ص ۳۴۵، دربندی، آمار سپاه دشمن را به نقل از مقتل ابن عصفور بحرانی، ۴۶۰ هزار گفته که ۳۳۰ هزار نفر آن به دست امام حسین علیه السلام، ۲۵ هزار نفر (غیر از مجروحان) به دست حضرت عباس و ۲۵ هزار نفر دیگر به دست سایر بنی هاشم کشته شدند و تنها از لشکر عمر سعد هشتاد هزار نفر باقی ماند. اما به سبب افسانه بودن این گزارش در چاپ جدید (ج ۲، ص ۵۴۵) حذف شده است.

امام حسین علیه السلام تا زمان تألیف آن است و در هیجده ماه نوشته شده است با توجه به امکانات اندک آن روزگار در شناسایی منابع معتبر تا چه رسد به گزینش و استفاده از آن‌ها) نمی‌توان انتظار دقت و موشکافی علمی در گزینش صحیح و ارائه گزارش‌های معتبر در نقل حادثه عاشورا داشت.

برخی از نمونه‌های تحریف

این اثر به سبب تفصیل بسیار آن، گزارش‌های مجعول، موهن، عجیب و افسانه‌ای دارد، چندان‌که گزارش فهرست‌وار اخبار و روایات مجعول این کتاب خود چند صفحه از این نوشتار را دربرگرفته و از حوصله این نوشتار خارج است، از این رو، تنها به چند مورد ذیل اکتفا می‌شود:

۱. گزارش عجیب و غیر قابل پذیرش کیفیت خروج امام حسین علیه السلام به همراه خاندانش از مدینه با چهل محمل حریر و دیباج، همانند حاکمان و پادشاهان!^۱
۲. گزارش افسانه‌ای و خیالی آمار لشکر عمر سعد مبنی بر ۱۶۰۰۰۰ نفر^۲ و در جای دیگر، ۴۶۰ هزار نفر و کشته شدن ۳۳۰ هزار از آنان به دست امام حسین علیه السلام و ۲۵ هزار نفر به دست حضرت عباس (به جز مجروحان) و ۲۵ هزار نفر به دست دیگر بنی‌هاشم و جان سالم بدر بردن تنها ۸۰ هزار نفر از آنان!!!^۳ وی در جای دیگر، تعداد کشته‌های دشمن را به دست امام حسین علیه السلام، به چهارصد هزار نفر و تعداد سپاه را به پانصد هزار نفر رسانده است!!!^۴
۳. هفتاد^۵ یا هفتاد و دو ساعت بودن روز عاشورا!!!^۶

۱. فاضل دربندی، همان، ج ۲، مجلس دهم، ص ۶۲۸ - ۶۲۹.

۲. همان، ج ۳، مجلس سیزدهم، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۳۴۵، (چاپ قدیم). چنان‌که گفته شد، این نقل در چاپ جدید این اثر، حذف شده است (همان، ج ۲، ص ۵۴۵).

۴. همان، ج ۳، مجلس سیزدهم، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۴۳.

۶. همان، ص ۴۰.

۴. امتناع حضرت عباس از این که امام حسین علیه السلام او را به خیمه گاه ببرد، چرا که به سکنینه دختر امام علیه السلام، وعده آوردن آب داده، اما نتوانسته است به آن عمل کند!^۱
۵. یاد کردن از افرادی به عنوان یاران امام حسین علیه السلام یا افراد سپاه عمر سعد که در هیچ منبع معتبری نام آنان یافت نمی شود، از جمله عبدالله بن شقیق،^۲ اسحاق بن مالک اشتر،^۳ کثیر بن یحیی انصاری،^۴ مارد بن صدیف تغلبی،^۵ غلامی به نام «مبارک»،^۶ مسعود هاشمی^۷ و...!

۶. افسانه ساریان امام علیه السلام!^۸

۷. افسانه قیام دختری به نام «دُرَّة الصدف» در حلب به انگیزه خون خواهی امام حسین علیه السلام و باز پس گیری سرهای شهدا و آزاد کردن اسرا از چنگال مأموران یزید هنگام بردن اسرا و سرها به شام و...!^۹

و....



۷. الدمعة الساکبه

محمد باقر بهبهانی (م ۱۲۸۵ ق) نویسنده این کتاب است. وی زندگانی ائمه علیهم السلام را در چند جلد نگاشته است که دو جلد (جزء چهارم و پنجم) آن در چهارده فصل، اختصاص به امام حسین علیه السلام و عاشورا دارد. او از شاگردان و مریدان فاضل دربندی بوده و در این کتاب از او به «قال الفاضل» تعبیر کرده است.

واعظ تبریزی خیابانی، از این نویسنده ستایش کرده و به نقل از شیخ محمود عراقی در کتاب دارالسلام فیمن فاز بسلام الامام درباره او گفته است:

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰۴.

۲. همان، ص ۲۷۵.

۳. همان، ص ۲۸۴.

۴. همان، ص ۲۹۱.

۵. همان، ص ۴۹۹.

۶. همان، ص ۲۹۹.

۷. همان، ص ۲۹۸.

۸. همان، ج ۳، ص ۱۵۷ - ۱۶۲.

۹. همان، مجلس بیست و هشتم، ص ۴۴۵ - ۴۵۰.

ذکر مصائب می نمود به طوری که در آن عصر و بلد (نجف) متعارف بود از کتاب‌های مقتل فارسی مثل روضة الشهداء و محرق القلوب و مانند این‌ها کتابی به دست می گرفت و می خواند و چون نیت خالص بود، تاثیری تمام می نمود. در عبارات عربیه دستی نداشت، زیرا که او را سواد عربی درستی نبود.^۱ بهبهانی در نقل گزارش عاشورا، از کتاب منتخب طریحی بسیار بهره برده است. منابع دیگر او عبارت‌اند از: بحار الانوار، عوالم العلوم، تظلم الزهراء، مسند البتول، تذکار الحزین، جامع الاخبار، نورالعین، مهیج الاحزان، معدن البکاء او المصائب، مقتل منسوب به ابومخنف و تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام.

مواردی از تحریف

۱. سخنان امام حسین علیه السلام پس از شهادت حضرت عباس و طلب آب برای طفل شیرخوار و اجابت حضرت علی اکبر.^۲
۲. نقل محرف منسوب به امام حسین علیه السلام خطاب به حضرت علی اکبر: «یا ولدی، أما أنت فقد استرحت من كرب الدنيا و غمها...»^۳
۳. انتساب گفت‌وگوی امام حسین علیه السلام با سکینه به شیخ مفید درباره شهادت حضرت علی اکبر و امر کردن حضرت، سکینه را به صبر.^۴
۴. گزارش نامعتبر چگونگی رفتن حضرت عباس به میدان و شهادت وی.^۵
۵. تعلیل غیر قابل پذیرش به جا ماندن بدن حضرت عباس در محل شهادتش.^۶

۸. ناسخ التواریخ

میرزا محمد تقی لسان‌الملک مشهور به سپهرکاشانی (۱۲۱۶ - ۱۲۹۷ ق) یک دوره

۱. واعظ خیابانی، وقائع الایام فی تمته محرم الحرام، ج ۴، ص ۲۵.
۲. محمدباقر بن عبدالکریم بهبهانی، الدمعة الساکبه، ج ۴، ص ۳۲۷.
۳. همان، ص ۳۳۱.
۴. همان، ص ۳۳۲.
۵. همان، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.
۶. همان، ص ۳۲۴.

تاریخ از زمان حضرت آدم تا روزگار خویش را نوشت و بخشی از این اثر را به شرح حال مفصل امام حسین علیه السلام اختصاص داد. تاریخ نگارش این جلد از کتاب، در عهد ناصرالدین شاه و سال ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ ق بوده است.^۱ از آن‌جا که هدف او از نگارش چنین کتابی - چنان‌که نام پرادعای کتابش بر این امر دلالت دارد - این بوده که خواننده نیازی به کتاب‌های دیگر نداشته باشد، مطالب سست و بی‌پایه در آن بسیار راه یافته است. به همین دلیل و نیز از آن‌جا که نویسنده درباری بوده، این اثر نه تنها در مجامع علمی از آن استقبال نشد، بلکه برخی مطالعه آن را جایز ندانسته‌اند.^۲ با این حال این نگاشته تا چند دهه، از آثار مورد استفاده عامه مردم و خطبا و اهل منبر بود.

برخی از نمونه‌های تحریف

۱. تأویل کهیعیص.^۳

۲. گزارش پراکنده شدن سپاه امام حسین علیه السلام در شب عاشورا و تنها ماندن خویشاوندان و خاصان حضرت.^۴

۳. ترجمه نادرست واژه «مُسْتَأَن» به شتر!^۵

۴. گزارش افسانه‌ای طرم‌اح بن عدی از بازگشت سر امام علیه السلام به تن و دیدن پیغمبر در قتلگاه! و... با این‌که وی از شهدا نبود و تنها در میانه راه با امام دیداری داشته و پیش از رسیدن وی به کربلا، خبر شهادت امام را شنید و برگشت.^۶

۵. بیان جمله: «شیر در پستان مادرش خشک شده است» هنگام درخواست آب از سپاه عمر سعد توسط امام حسین علیه السلام برای سیراب کردن طفل شیرخوار.^۷

۱. چراکه وی در جایی از کتاب گفته است: «اکنون که تاریخ هجری به هزار و دویست و نود و یک می‌رود» (همان، ج ۶، ص ۳۶۱).

۲. سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، ص ۱۷۸.

۳. سپهر کاشانی، ناسخ التواریخ، ج ۶، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.

۴. همان، ص ۲۳۷.

۵. همان، ص ۲۸۶.

۶. همان، ص ۲۹۹.

۷. همان، ص ۲۸۵.

۶. نقل گزارش ابن شهرآشوب درباره تعارف امام حسین علیه السلام و اسبش به یکدیگر بر سر آب خوردن...!^۱

۷. نشستن شمر بر سینه امام علیه السلام و گفت وگویی حضرت با وی در این باره که آیا شفاعت جدش بهتر است یا دریافت جایزه از یزید که چون شمر گفت: دریافت جایزه، امام از او طلب آب کرد، اما او در پاسخ گفت: به خدا سوگند، آب نمی نوشی تا این که ذره ذره مرگ را بچشی.^۲

۸. جریان مسلم جصاص (گج کار) و نان، خرما و گردو دادن کوفیان به کودکان اهل بیت علیهم السلام و...^۳

۹. قصه فاطمه صغری.^۴

۱۰. رؤیای سکینه در شام.^۵

۹. تذکرة الشهداء

ملاحیب الله شریف کاشانی^۶ (م ۱۳۴۰ ق) از جمله علمای برجسته عهد قاجار است که تألیفات بسیاری در علوم مختلف دارد، از جمله این نگاهشته ها، کتاب مفصل تذکرة الشهداء در تاریخ عاشورا است. اثر یاد شده، اخبار و گزارش های ضعیف و مخدوشی دارد که سبب تحریف در سیمای واقعه عاشورا شده است.

نمونه هایی از تحریف

۱. حضور چهارصد نفر از مفتی هایی که فتوا به قتل امام حسین علیه السلام داده بودند در کربلا، از جمله ظفر بن ملجم و انداختن عصا به سوی امام علیه السلام به جای استفاده از نیزه و شمشیر!!!^۷

۱. همان، ص ۲۸۹.

۲. همان، ص ۲۹۳.

۳. همان، ص ۳۱۱.

۴. همان، ص ۳۲۲.

۵. همان، ص ۳۵۰.

۶. درباره شخصیت و آثار وی، ر.ک: عبدالله موحدی، ملاحیب الله شریف کاشانی «فقیه فرزانه».

۷. ملاحیب الله شریف کاشانی، تذکرة الشهداء، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.

۲. افتادن دست‌های بریده و مشک پاره حضرت عباس روی خاک و بوسیدن دست‌های بریده توسط امام حسین علیه السلام.^۱
۳. نشان دادن سپر خونین حضرت عباس به مادرش ام‌البنین توسط حضرت زینب و بی‌هوش شدن وی.^۲
۴. درخواست سکینه از پدرش امام حسین علیه السلام برای پیاده شدن از اسب و نوازش او هم‌چون یتیمان و پذیرش این درخواست از سوی امام حسین علیه السلام.^۳
۵. دادن یک رشته مروارید از سوی امام حسین علیه السلام به یکی از لشکریان دشمن به این سبب که هنگام بیرون آمدنش از خانه، دخترش به او گفت که از این سفر برایش سوغات بیاورد!^۴
۶. خودداری ذوالجناح از راه رفتن هنگام سوار شدن امام علیه السلام بر آن، مگر آن‌که در قیامت حضرت بر او سوار شده و امت گناه‌کار را شفاعت کند!^۵

۱۰. معالی السبطين فی احوال السبطين الامامین الحسن علیه السلام و الحسين علیه السلام

محمد مهدی حائری مازندرانی (۱۳۰۰ - ۱۳۸۵ ق) نویسنده کتاب معالی السبطين فی احوال الحسن علیه السلام و الحسين علیه السلام، هرچند این کتاب را در شرح حال امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نگاشته، اما بیشترین آن را به زندگی امام حسین علیه السلام اختصاص داده است. او در نگارش این اثر، از منابع ضعیف و غیر قابل اعتماد، از جمله روضة الشهداء، منتخب طریحی، مقتل الحسين منسوب به ابو مخنف، مدینه المعاجز، ناسخ التواریخ، اسرار الشهادات، تظلم الزهراء و... بهره برده که طبیعتاً در نگاشته او تحریفات زیادی راه یافته است.

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۴۴۳.

۳. همان، ص ۳۱۱.

۴. همان، ص ۳۲۵.

۵. همان، ص ۳۱۲.

برخی از نمونه‌های تحریف

۱. تأویل کهیعیص.^۱

۲. انتساب سخن: «یا ولدی، أما انت یا بُنیّ، فقد استرحت من همّ الدنيا و غمها...»

به امام حسین علیه السلام وقتی با بدن بی جان حضرت علی اکبر علیه السلام روبه‌رو شد.^۲

۳. نسبت دادن سخن: «لیتینی كنت قبل هذا الیوم عمیاء...» به حضرت زینب علیها السلام

هنگام روبه‌رو شدن با جنازه حضرت علی اکبر.^۳

۴. حضور لیلا در کربلا و خارج شدن وی از خیمه با پای برهنه و سر برهنه هنگام

شهادت علی اکبر!!^۴

۵. بریدن سر امام علیه السلام از قفا توسط شمر، چرا که حضرت به شمر گفت که شمشیر

جای بوسیدن پیامبر را نخواهد برید. و چون شمر هر رگ و استخوانی را از سر

حضرت قطع می‌کرد، امام علیه السلام می‌گفت: واجداه، و ابالقاسماه...!!!^۵

۶. افسانه ساریان امام علیه السلام.^۶

۷. قصه پرندۀ خونین بال و شفای دختر یهودی.^۷

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۱. نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام

این کتاب به ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران شافعی اشعری معروف به

ابواسحاق اسفراینی (م ۴۱۷ یا ۴۱۸ ق) منسوب است. این اثر بدون فصل‌بندی و

عنوان‌بندی است. نویسنده برای گزارش‌های خود سند ارائه نکرده و تنها هر گزارش

را با تعبیر «قال الراوی» آغاز کرده است، از این رو ساختار نگارشی آن شبیه داستان،

۱. محمد مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطين فی احوال السبطين الامامین الحسن علیه السلام و الحسين علیه السلام،

ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۲۵۲.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۵۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۴.

۶. همان، ص ۳۵ - ۳۶.

۷. همان، ص ۳۳ - ۳۴.

و عامه پسند است. برخی از محققان بر این باورند که کتاب یاد شده، ساختگی و منسوب به اسفراینی است، چراکه اسلوب نگارش آن با نوشته های قرن چهارم، سازگاری ندارد.^۱ در تأیید این سخن، باید گفت که نگارنده با مراجعه به متن کتاب و بررسی برخی از مطالب آن، عبارتی درباره محل دفن سر امام حسین علیه السلام یافت که گمانش را درباره متأخر بودن این اثر، به یقین تبدیل کرد و آن عبارت چنین است: «و روی عن طائفة الفاطمية الذی حکموا مصر. ان الرأس وصلت اليهم و دفنوها فی مشهد المشهور»،^۲ زیرا بر اساس گزارش های مورخان تاریخ فاطمیان، انتقال سر از عسقلان به مصر و دفن آن در قاهره مصر و ساختن بنای باشکوه بر آن، پس از سال ۵۴۸، یعنی ۱۳۰ سال پس از مرگ اسفراینی بوده است!^۳ چنانکه گزارش شده است که طلّاح بن زُرّیک وزیر شیعی خلیفه فاطمی فائز بالله، پس از انتقال سر به قاهره در سال ۵۴۹ ق، بنای باشکوهی بر آن ساخت.^۴

اما درباره اعتبار و ارزش گزارش های این کتاب، باید گفت که بسیاری از گزارش ها و مطالب آن ضعیف، جعلی و سخیف است و نزد محققان، هیچ اعتباری ندارد، چنانکه شهید قاضی طباطبایی این کتاب را «از کتب بسیار ضعیف و غیر قابل اعتماد»^۵ و «مجموعه

۱. سید عبدالعزیز طباطبایی، اهل البیت علیهم السلام فی المكتبة العربیة، ص ۶۵۵، ش ۸۳۹. در تأیید سخن یاد شده باید گفت که منابع متقدم که به شرح حال او پرداخته اند، در فهرست آثار او، از چنین اثری یاد نکرده اند (ابن عساکر، تبیین کذب المقتدری، ص ۲۴۰ - ۲۴۱؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، ج ۱، ص ۲۸؛ تاج الدین ابی نصر عبدالوهاب بن علی سُبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۴، ص ۲۵۷؛ شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۵۳؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۱۲، ص ۳۰). اما نخستین کسی که این کتاب را به اسفراینی نسبت داده است، اسماعیل پاشا است به نقل از وفيات الاعیان (هدیة العارفین، ج ۱، ص ۸) که با مراجعه به کتاب وفيات چنین انتسابی وجود ندارد. پس از وی، یوسف الیان سرکیس (معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، ج ۱، ص ۴۳۶) شیخ آقا بزرگ (الذریعة، ج ۱۷، ص ۷۲ - ۷۳)، و بالأخره سید عبدالعزیز طباطبایی (همان، ص ۶۵۴) این کتاب را به اسفراینی نسبت داده اند که به نظر می رسد که مستند آنان تنها گفته اسماعیل پاشا باشد.

۲. ص ۷۲.

۳. شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب نویری، نهایة الارب فی فنون الادب، ج ۲۰، ص ۳۰۰.

۴. علامه عبدالحسین احمد امینی، الغدیر، ج ۴، ص ۳۴۹.

۵. قاضی طباطبایی، همان، ص ۶۰.

و ضعیفه و مجهول المؤلف^۱ دانسته و بر این باور است که «مقتل اسفراینی پر از جعلیات و نقلیات قصه سرایان است».^۲

نکته آخر آن که اگر در انتساب این کتاب به اسفراینی تردید نکنیم، باید دانست که او یک سنی اشعری مسلک بوده و به اعتقاد صاحب ابن عبّاد، او یک آتش سوزنده‌ای بود،^۳ از این رو نمی‌توان به مطالب این کتاب اعتماد کرد.

برخی از موارد تحریف

۱. آمدن گروهی از فرشتگان و نیز جئیان مؤمن برای یاری امام حسین علیه السلام هنگام خروج حضرت از مدینه و نپذیرفتن ایشان.^۴

۲. گزارش‌های نادرست و محرف از جریان قیام مسلم در کوفه، از جمله پیشنهاد ترور ابن زیاد توسط هانی هنگام آمدن ابن زیاد به منزل هانی برای عیادت وی و عدم اقدام مسلم به ترور به این علت که یک منادی، او را از این کار بازداشتی است،^۵ و درخواست آب از سوی مسلم بن عقیل از طوعه زن پناه دهنده وی، جهت وضوساختن و خواندن دو رکعت نماز و دعا کردن پیش از دست‌گیری^۶ و کشته شدن ۱۱۰۰ نفر از سپاه ۲۸۰۰ نفری ابن زیاد توسط مسلم پیش از دست‌گیری وی!!!^۷

۳. رفتن امام حسین علیه السلام با اسبش کنار فرات و تعارف کردن آب به یکدیگر و...!^۸

۴. کشته شدن ۱۶۰۰ نفر به دست امام حسین!^۹

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. همان، ص ۶۴۰.

۳. ابن عساکر، تبیین کذب المفتری، ص ۲۴۱؛ تاج‌الدین ابی‌نصر عبدالوهاب بن علی نسبی، همان، ج ۴، ص ۲۵۷؛ شمس‌الدین ذهبی، همان، ج ۱۷، ص ۳۵۴؛ شیخ عباس قمی، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۲۶.

۴. ابواسحاق اسفراینی، نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام، ص ۱۹ - ۲۰.

۵. همان، ص ۲۴ - ۲۵.

۶. همان، ص ۲۸.

۷. همان، ۲۸ - ۲۹.

۸. همان، ص ۴۸ - ۴۹.

۹. همان، ص ۴۹.

۵. نشستن شمر روی سینه امام علیه السلام و گفت‌وگوی حضرت با وی در این باره که شمر گناه بزرگی را مرتکب می‌شود و این‌که آیا شفاعت جدش بهتر است یا دریافت جایزه از یزید که چون شمر گفت: دریافت جایزه، امام از او طلب آب کرد، اما او در پاسخ گفت: به خدا سوگند، آب نمی‌نوشی تا این‌که ذره ذره مرگ را بچشی.^۱

۶. افسانه نان دادن کوفیان به اطفال اسیر.^۲

.....

مقتل‌نگاری و نگاه‌های عاشورا در عصر کنونی (سده اخیر)

گفتنی است در صد سال اخیر، مقتل نویسی نیز هم‌چنان مورد توجه مورخان و نویسندگان مسلمان بوده است. البته ویژگی برجسته نگاه‌های این عصر، آن است که در کنار برداشت عاطفی و احساسی که هم میراث نگاه‌های گذشته است و هم مقتضای این واقعه بزرگ، برداشت سیاسی نیز از حرکت امام علیه السلام و توجه به بُعد ظلم‌ستیزی واقعه عاشورا، مورد تأکید تاریخ‌نگاران عاشورا قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین عوامل این روآوری، درگیر شدن شیعیان با سیاست و در نتیجه، مبارزه و ظلم‌ستیزی آنان با حاکمان وقت بوده است. به تعبیر دیگر، در این دوره، نگاه‌های مربوط به این واقعه، متأثر از شرایط و مقتضیات حاکم، به‌ویژه جنبش عدالت‌خواهی و مشروطه‌طلبی که روح بیداری و آزادمنشی را در ایرانیان دمید، برداشت سیاسی از واقعه عاشورا را رقم زد و این برداشت، به‌ویژه در محافل مذهبی تجدیدخواه و نوگرا جایگاه خاصی یافت و از آن زمان تاکنون، این برداشت، در کنار برداشت عاطفی و احساسی از این حادثه، دو قرائت مهم از حادثه عاشورا به حساب می‌آیند. مطالعه و بررسی در این باره افزون بر آن‌که در حوصله این نوشتار نیست، مجال دیگری را می‌طلبد.

بی‌شک این میزان نگاه‌ها درباره یک روی داد تاریخی، اهمیت بسیار و تأثیر شگرف آن را در هر عصری نشان می‌دهد و حیات جاودانه امام حسین علیه السلام و یارانش را می‌نمایاند.

۱. همان، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۶.

نتیجه‌گیری

از آنچه نگاشته شد می‌توان این نتیجه را گرفت که مقاتل و منابع تاریخ عاشورا را می‌توان به دو دسته کلی معرفی کرد:

دسته نخست، آثاری که از قرن دوم تا هفتم نگاشته شده که به اعتبار میزان قدمت، اعتبار و اتقان گزارش‌های آن‌ها، از ارزش و اعتبار، برخوردار هستند. اما درباره اعتبار گزارش‌های دسته دوم که از قرن هشتم تا عصر حاضر به رشته تحریر درآمده‌اند، باید گفت آن دسته از گزارش‌هایی که منابع یاد شده، از منابع کهن نقل کرده‌اند، قابل اعتناست، اما گزارش‌هایی که مستند به مأخذ کهن نیست اعتبار نداشته و نباید به آن‌ها اعتنا کرد. افزون بر این، برخی از نویسندگان در قرن‌های معاصر با انگیزه‌های گوناگون، دست به نگارش آثاری زده‌اند که سیمایی وارونه و تحریف‌آمیز از حادثه عاشورا ارائه کرده‌اند. برخی از گزارش‌های آثار یاد شده چنان در مجالس و محافل عزاداری و سوگواری شیعه، تبلیغ و ترویج شده است که به عنوان باورهای مسلم شیعه و به‌ویژه ایرانیان در عصر حاضر، درباره واقعه عاشورا درآمده است. از این رو از این منابع در این نوشتار، به «منابع تحریف‌گستر» یاد شد.

منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، محسن بن علی بن محمد رضا، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی‌بکر، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الثقافة، [بی تا].
۳. ابن عساکر دمشقی، ابوالقاسم، علی بن حسن بن هبة الله، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن عساکر دمشقی، تبیین کذب المفتری، تحقیق احمد حجازی سقا، چاپ اول: بیروت، دارالجبل، ۱۴۱۶ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، البدایة والنهایه، تحقیق و تعلیق مکتب تحقیق التراث، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، [بی تا].
۶. استوری، چارلز امبروز، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو. ا. برگل، ترجمه (فارسی)یحیی آربن‌پور و دیگران، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.

۷. اسفراینی، ابواسحاق، نورالعین فی مشهد الحسین، تونس، مطبعة المنار، [بی تا].
۸. اسفندیاری، محمد، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۱ م.
۱۰. اشراقی (معروف به اریاب)، میرزا محمد، الاربعین الحسینیة، چاپ دوم: تهران، اسوه، ۱۳۷۹.
۱۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، المآثر و الآثار، (چاپ شده در جلد اول کتاب چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.
۱۲. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق احمد حسینی، قم، [بی تا]، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. المختار من مقتل بحارالانوار: «عرض وثائق موجز لأحداث ثورة الحسین علیه السلام»، به اهتمام محسن اراکی، چاپ اول: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. امینی نجفی، عبدالحسین، الغدیر، چاپ پنجم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۱۶. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۷۱.
۱۷. بهبهانی، محمدباقر بن عبدالکریم، الدمعة الساکبه، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، تهران، انتشارات علمی اسلامیه، [بی تا].
۱۹. جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۱.
۲۰. جعفریان، رسول، «ملاحسین واعظ کاشفی و روضه الشهداء»، چاپ شده در: مقالات تاریخی، ج ۱، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۵.
۲۱. جعفریان، رسول، «ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضه الشهداء»، آینه پژوهش، سال ششم، ۱۳۷۴ ش، شماره ۳۳.
۲۲. حائری مازندرانی، محمد مهدی، معالی السبطين فی احوال السبطين الامامین الحسن و الحسین علیهما السلام، تبریز، افست مطبعه مصباحی، [بی تا].
۲۳. حُرّ عاملی، محمد بن حسن، امل الآمل، تحقیق سیداحمد حسینی، بغداد، مكتبة الاندلس، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. حسینی موسوی حائری کرکی، سیدمحمد بن ابی طالب، تسلیة المُجالس و زینة المُجالس، تحقیق فارس حسون کریم، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سیدکاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول: تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۶. دربندی حائری، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، تهران، منشورات اعلمی، [بی تا].
۲۷. ——— جواهر الايقان و سرمایه ایمان، [بی جا، بی تا، بی تا].

۲۸. — ملا آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی (مشهور به فاضل دربندی)، *اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات*، تحقیق محمد جمعه بادی و عباس سلاطیه جمری، بحرین، شركة المصطفی للخدمات الثقافیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. رفاعی، عبدالجبار، *معجم ما کتب عن الرسول ﷺ و اهل البيت*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۳۱. سُبکی، تاج الدین ابی نصر عبدالوهاب بن علی، *طبقات الشافعية الكبرى*، تحقیق عبدالفتاح محمد حلو و محمود احمد طناحی، قاهره، دار الکتب العربیه، [بی تا].
۳۲. سپهر کاشانی، میرزا محمد تقی لسان الملک، *ناسخ التواریخ*، قم، انتشارات کتابفروشی محمدی، [بی تا].
۳۳. شوشتری، محمدتقی، *الاخبار الدخیله*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ ق.
۳۴. طباطبایی، سید عبدالعزیز، *اهل البيت فی المکتبه العربیه*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۳۵. طریحی، فخرالدین (مشهور به الفخری)، *المنتخب فی جمع المراثی و الخطب*، تصحیح نضال علی، چاپ اول: بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ ق.
۳۶. — مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۳۷. قاضی طباطبایی، سید محمد علی، *تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء*، چاپ سوم: قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸.
۳۸. نزوینی، رضی بن نبی، *تظلم الزهراء علیها السلام من إهراق دماء آل العباء*، چاپ سوم: قم، منشورات الرضی، ۱۴۰۵ ق.
۳۹. قمی، عباس، *الکنی و الالقاب*، تقدیم محمد هادی امینی، تهران، مکتبه الصدر، [بی تا].
۴۰. کاشفی، کمال الدین حسین بن علی، *روضه الشهداء*، تصحیح عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۱ و تهران، اسلامیه، ۱۳۴۱.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. — *جلاء العیون*، چاپ اول: تهران، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۲.
۴۳. مشار، خان بابا، *فهرست کتاب های چاپی فارسی*، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۴۷.
۴۴. مطهری، مرتضی، *حماسه حسینی*، چاپ چهارم: قم، صدرا، ۱۳۶۴.
۴۵. معتمدالدوله، فرهاد میرزا، *قَمَاقَم رَزَاخَا و صَمَصَام بَنَار*، تصحیح و حواشی سید محمود محرمی زرنندی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۷ ق.
۴۶. معروف حسینی، هاشم، *الموضوعات فی الآثار و الاخبار*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. منزوی، احمد، *فهرستواره کتاب های فارسی*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶.

۴۸. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، [بی جا]، مؤسسة العربية الحديثه، ۱۳۸۲ ق.
۴۹. موحدی، عبدالله، ملاحیب الله شریف کاشانی «فقیه فرزانه»، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۵۰. موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تحقیق اسماعیل اسماعیلیان، قم، مکتبه اسماعیلیان، [بی تا].
۵۱. نراقی، محمد مهدی، محرق القلوب، (چاپ سنگی)، [بی جا، بی نا، بی تا].
۵۲. نواب صفا، اسماعیل، شرح حال فرهاد میرزا معتمدالدوله، چاپ اول: [بی جا]، انتشارات زوار، ۱۳۶۶.
۵۳. نوری، میرزا حسین، لؤلؤ و مرجان، چاپ دوم: تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۴.
۵۴. نوری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب، نهاية الارب فی فنون الادب، تحقیق عبدالمجید ترحینی و عماد علی حمزه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۵۵. واعظ تبریزی خیابانی، علی، وقائع الايام فی تنمة محرم الحرام، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰.
۵۶. یوسف الیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعربة، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی